

## حل شبهات معاد با اصل وحدت عامل و عمل



استاد درس خارج حوزه قم ضمن تبیین آیه ۲۴ سوره بقره بیان کرد: براساس قاعده وحدت عامل و عمل، دیگر انسان با عملش تعریف می‌شود یعنی انسان حیوان ناطق نیست، بلکه انسان را عملش تعریف می‌کند و شخصیت انسان به عملش تعریف می‌شود.

استاد درس خارج حوزه قم ضمن تبیین آیه ۲۴ سوره بقره بیان کرد: براساس قاعده وحدت عامل و عمل، دیگر انسان با عملش تعریف می‌شود یعنی انسان حیوان ناطق نیست، بلکه انسان را عملش تعریف می‌کند و شخصیت انسان به عملش تعریف می‌شود.

به گزارش ایگنا، جلسه تفسیر قرآن آیت الله ابوالقاسم علیدوست؛ استاد درس خارج حوزه علمیه قم، با محوریت تفسیر سوره بقره در فضای مجازی منتشر شد.

گفت وگویی ما در خدمت قرآن راجع به نکاتی است که از قرآن استفاده می‌شود. در دو هفته گذشته یک بخش از آیات را انتخاب کردیم که از آیه ۲۱ بقره تا آیه ۲۵ را شامل می‌شد و قرار است نکاتی از این پنج آیه عرض کنیم. برخی نکات مطرح شد و برخی نکات باقی مانده است. اولین نکته ای که امروز مطرح می‌کنیم نکته ای است که از آیه ۲۴ استفاده می‌شود. اینجا می‌فرماید: «قَالَ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ».

ترجمه آیه روشن است چون قبلیش فرمود اگر واقعا نسبت به قرآن شک دارید یک سوره مثل آن را بیاورید. این تحدی از عجایب قرآن است که تا امروز اگر کسی خواسته جواب بدهد رسوا شده است. بعد آیه می‌فرماید اگر نتوانستید این کار را بکنید از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند و برای کافران آماده شده است برحذر باشید؛ شاید مراد از سنگ، بت‌هایی باشد که آنها می‌پرستیدند. جهنم اینطور نیست که کوره ای باشد و انسان‌ها را در این کوره بیندازند، بلکه هیزم جهنم مردم هستند، سنگ‌ها هستند، بت‌ها هستند.

شاید ما از این آیه کریمه دو اصل قرآنی استفاده کنیم. ادعای ما این است اگر این دو اصل استفاده شود از آن ابواب مختلفی از علوم و معارف گشوده می‌شود و این اصل به همین آیه و سوره اختصاص ندارد. قبل از اینکه وارد آن دو اصل و قاعده شویم، بگذارید از اینجا شروع کنیم که قرآن می‌فرماید هیزم آتش جهنم خود مردم هستند. آیا معنایش این است که خود مردم آتش می‌شوند؟ اگر اینطور باشد، آتش هیچ وقت با آتش عذاب نمی‌شود چراکه آتش، آتش را نمی‌سوزاند. شاید گفته شود که برخی از جهنمیان آتش می‌شوند تا دیگر جهنمیان را بسوزانند؛ این فرض هم بعید است. مشکل بعدی این است که آیه می‌فرماید این جهنم برای مردم آماده شده است. معنای آیه این است که جهنم از قبل آماده شده است.

### کم کاری مفسران در تبیین آیه

معمولا اینجاها گفته می‌شود که برای مضارع محقق الوقوع فعل ماضی به کار می‌رود. آیا در مورد این آیه هم می‌توانیم این حرف را بزنیم؟ خیر، چون در آینده که این جهنم آماده نمی‌شود، بلکه در آینده آماده شده است. پس این چه آتشی است که هیزم آن مردم هستند و قبل از قیامت برای کافران آماده شده است؟ انسان با توجه به ذهنیتی که به کار بزرگان دارد فکر می‌کند در اینجا مفسران به بررسی مطلب پرداختند ولی وقتی تفاسیر را نگاه می‌کنیم بحث‌ها مبهم و مجمل است.

اگر بخواهیم این شبهات حل شود باید به دو اصل قرآنی برسیم و عجیب است که خود قرآن این خط را دنبال کرده است. با این دو اصل دیگر شبهاتی که مطرح شد یا ممکن است مشابهش مطرح شود، حل می‌شود. آن دو اصل چیست؟ یک اصلی که از قرآن در می‌آید اتحاد عامل و عمل است؛ وحدت عامل و عمل. اگر گفتیم وحدت عامل و عمل، دیگر انسان با عملش تعریف می‌شود یعنی انسان حیوان ناطق نیست، بلکه انسان را عملش تعریف می‌کند و شخصیت انسان به عملش تعریف می‌شود. بنابراین ما یک نوع انسان کلی طبیعی نداریم بلکه به تعداد انسان از انسان تعریف داریم.

### جهنمی که درون انسان است

اگر این حرف را بزنیم قهرا انسان درون خودش حقیقت خودش را دارد یعنی یک جهنمی درون خودش دارد و همچنین یک بهشتی

درون خودش دارد. حالا ببینید این اصل چقدر شعبه دارد. ما یک انسان در بهشت و جهنم داریم، یک بهشت و جهنم در انسان داریم. لذا ممکن است یک نفر را ببینید که به حسب ظاهر خیلی آرام و متین و تمیز باشد ولی این آدم اگر باطنش روشن شود، آتش است. ببینید چقدر قرآن این مطلب را در آیات زیادی دنبال کرده است. پس اگر آیه می گوید هیزم این جهنم انسان است، یعنی انسان به عملش تعریف می شود. اگر عمل آتش باشد خود انسان آتش است. طبق همین قاعده اتحاد عمل و عامل، تمام چیزهایی که می گویند در جهنم برای انسان مجسم می شود، ضابطه پیدا می کند. این یک اصل بود.

اصل دوم این است که اگر اینطور باشد بحث تجسم اعمال برای آخرت نیست، بلکه آنجا ظهور باطن است و الا باطن همین جا تعیین می شود. مثلاً وقتی یک کافر راه می رود همین الآن هیزم جهنم است که برای کافران آماده شده است. به همین خاطر اگر کسی چشم برزخی پیدا کند خیلی برایش سخت می شود و از خانه نمی تواند بیرون بیاید.

پس اصل اول اتحاد عمل و عامل و تعریف انسان به عملش و اتحاد وجودی انسان با عمل بود، اصل دوم تجسم اعمال و شکل گیری باطن در همین دنیا بود. با استفاده از این دو اصل معنای آیه روشن می شود.